



معماری معاصر ایران

امیر باهنی مسعود

نشر هنر معماری قرن، ۱۳۸۸

کتاب معماری معاصر ایران در ۱۷ فصل به چگونگی روبه روشن شدن ایرانیان با دنیای جدید و تأثیر آن در معماری ایران از دوره قاجار تا سه دهه پس از انقلاب اسلامی پرداخته است. در این راستا به تأمل درباره‌ی هریک از مفاهیم و مقولات جدید پرداخته، و از آن جایی که تاریخ معماری معاصر از زاویه‌ی تاریخ اندیشه بررسی شده است، از شرح رخدادهای تاریخی متعدد خودداری و تنها به برخی از جریان‌های مهم اجتماعی، که به لحاظ طرح اندیشه‌های جدید اهمیت بسزایی دارند، پرداخته است. آشنایی ایرانیان با مباحث غربی در دوره قاجار - عمدتاً دربرگیرنده‌ی شکل‌گیری مدرنیته‌ی ایرانی در بستر اجتماعی و فرهنگی - معماری دوره قاجار، معماری دوره پهلوی اول، معماری دوره پهلوی دوم، و معماری پس از انقلاب اسلامی مباحث بعدی کتاب را تشکیل داده اند. مولف کتاب را با تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران در دوره قاجار شروع کرده که در اصل مقدمه‌ای بر تحولات معماری این دوره است. به باور مولف دوران قاجار، مدرن‌سازی چشم‌گیری را در خود ندید، اما شاهد گسترش نیروهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌ای بود که باید دگرگونی‌های سریع‌تری را در پی می‌آورد، ولی به دلایلی که به برخی از آنها در کتاب اشاره شده است، چنین امری صورت نگرفت. به نظر وی آنچه جهانگردان ایرانی از غرب درک و دریافت می‌کردند، از فیلترهای ممزوج با افکار به ارث رسیده از گذشته و آغشته به اعتقادات، پیش فرض‌ها و تصوراتی که ریشه در گذشته‌ی فرهنگی آنها داشت، عبور می‌کرد. یعنی، مخاطبان این آثار اغلب این تصورات را به عنوان انعکاس‌های دقیق غرب می‌پذیرفتند.

نویسنده در فصل دوم به اجمال به سفرنامه‌های ایرانیان پرداخته. به نظر مؤلف چون دریافت‌های آنان بر شالوده‌ی مبانی نظری خاصی استوار نبود و از محدوده‌ی توجه به ظواهر تحولات کشورهای اروپایی فراتر نمی‌رفت، این تصورات ابتدایی به تغییراتی بنیادین در دریافت‌های نظری آنان منجر نشد. در بحث معماری قاجار پیش‌درآمدی بر شکل‌گیری معماری معاصر ایران، مهم‌ترین ساختمان‌های دوره قاجار، که هم‌سو با سنت‌های ایرانی و عناصر وارداتی غرب طراحی شده‌اند، مورد توجه قرار گرفته و از آن جایی که تهران و تبریز از شهرهای مهم ایران به‌شمار می‌رفتند - به خاطر دارالخلافه و دارالسلطنه بودن آنها - تنها به بناهای ساخته‌شده در این دو شهر پرداخته می‌شود. آنچه نویسنده در این فصل به دنبال آن است بررسی هنر و ابنیه‌ی معماری قاجار در دو شهر تهران و تبریز است، دو شهری که کانون فعالیت علمی و هنری قاجار بودند فصل ششم تحت عنوان «خاستگاه اولین معمار تحصیلکرده‌ی ایران در معماری قاجار» در پی پرداختن به زندگی حرفه‌ای و کارهای نخستین آرشیکت تحصیلکرده‌ی ایرانی در پاریس است. به دلیل آنکه موضوع اصلی کتاب، معماری معاصر ایران از دیدگاه تجدد بررسی می‌شود، مؤلف در این فصل به فعالیت حرفه‌ای و زندگی میرزامهدی خان‌شقایق (ممتحن‌الدوله) می‌پردازد. در فصل‌های نهم، دهم و یازدهم تحت عناوین محمدرضا پهلوی و تحولات سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۰، شکل‌گیری معماری آکادمیک ایران و تحول طراحی مسکن، پیشگامان نسل دوم به بستر اجتماعی و معماری دوره پهلوی دوم پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه در دو فصل هفتم و هشتم، نویسنده جو غالب معماری ایران را در دوره پهلوی اول، آبخشور سه جریان معماری: معماری اواخر قاجار، مدرنیسم و سبک نئوکلاسیک باستان‌گرا (سبک ملی) دانسته، این جریان‌ها را در دوره پهلوی دوم، مدل به یک جریان غالب و تأثیرگذار معماری مدرن می‌داند. در فصل‌های دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم، معماری بعد از انقلاب از زاویه‌ی کارهای معماران متأخر نسل دوم و برخی از معماران نسل سوم مورد توجه قرار گرفته است. سه فصل پایانی کتاب نیز به کارهای ساخته‌شده در حیطه‌ی بناهای عمومی، ساختمان‌های بلندمرتبه و در نهایت ابنیه‌ی مقدس اختصاص دارد.